



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده زبان و ادبیات فارسی

گروه زبان شناسی همگانی و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

پایان نامه

کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی

ابقای پرسش و آژه در زبان فارسی:

رویکردی کمینه گرا

استاد راهنما: دکتر محمد دبیر مقدم

استاد مشاور: دکتر ویدا شقاقی

نگارنده: ابراهیم اسکافی

سال ۱۳۹۱

چکیده - این تحقیق کاوشی است در زمینه ابقای پرسش‌واژه. آرای گوناگونی را که در این باره تاکنون منتشر شده، با دیدگاهی انتقادی بررسی کرده، رویکردهای گوناگون تحلیلی ناظر بر این پدیده را معرفی نموده و سه مقاله مهم را که در این زمینه منتشر شده است، به تفصیل شرح داده است. با مشاهده شباهت‌های میان زبان انگلیسی و فارسی، تحلیلی ارائه شده است تا رفتار ابقای پرسش‌واژه در زبان فارسی نیز به شکلی مشابه زبان انگلیسی توجیه گردد. اما با وجود شباهت میان ابقای پرسش‌واژه در زبان فارسی و انگلیسی، به دلیل این که در زمینه حرکت پرسش‌واژه زبان فارسی رفتاری متفاوت دارد، در حقیقت حرکت پرسش‌واژه در زبان انگلیسی اجباری است، اما در زبان فارسی اختیاری است، تحلیل‌های مربوط به زبان انگلیسی را عیناً نمی‌توان به زبان فارسی تعمیم داد. از این رو، نگارنده به دنبال تحلیلی بودم که ابقای پرسش‌واژه را در زبان فارسی به خوبی نشان دهد. در این مورد از تحلیل حرکت کانونی و سپس حذف گروه زمانی بهره گرفتیم. در رساله مرچنت تعمیم‌هایی در خصوص ویژگی ابقای پرسش‌واژه در زبان‌های مختلف ارائه شده است. در این پژوهش دیدیم که دومین تعمیم وی که در خصوص رابطه میان امکان حرکت پرسش‌واژه عادی و امکان ابقای حرف اضافه است، در زبان فارسی صدق نمی‌کند و در حقیقت مثال‌های زبان‌های فارسی مثال نقض این تعمیم کلی است. مازیار توسروندانی در مقاله تحلیلی خود تردیدهایی در خصوص پرسش‌واژه درجا بودن زبان فارسی ایجاد کرده بود. در این پژوهش دیدیم که نتیجه‌گیری او در خصوص پرسش‌واژه درجا نبودن زبان فارسی عاری از اشکال نیست و مثال‌های وی در حقیقت مؤید پرسش‌واژه در جا بودن زبان فارسی است نه این که آن را نقض کند. همان‌طور که در زبان انگلیسی مشهود

است، ابقای پرسش‌واژه برخی محدودیت‌های جزیره‌های نحوی را نادیده می‌گیرد یا به عبارت دیگر جملاتی که با نقض برخی محدودیت‌های جزیره‌های نحوی نادرستی می‌شوند، پس از تکمیل فرایند ابقای پرسش‌واژه، به شکلی دستوری درمی‌آیند. در این تحقیق نشان دادیم که این ویژگی در زبان فارسی نیز صادق است. در انتها نشان دادیم که فرایند ابقای پرسش‌واژه چندگانه هم در زبان فارسی صادق است و می‌توان آن را با همان شیوه ابقای پرسش‌واژه تکی تحلیل کرد، با این تفاوت که پیش از حرکت کانونی، فرایند ادغام گروه‌های پرسشی مختلف باید صورت بگیرد.

کلیدواژه‌ها : ابقای پرسش‌واژه، حرکت پرسش‌واژه، حرکت کل سازه، حرکت کانونی، جزیره‌های نحوی، حذف گروه زمان، زبان پرسش‌واژه درجا، پیش‌اضافه ابقایی.

فهرست مطالب

فصل اول:

فصل اول: مقدمه ۱

۱-۱ زبان‌های پیش اضافه ابقایی: ۶

۲-۱ زبان‌های غیر پیش‌اضافه ابقایی: ۷

۳-۱ رویکردهای غیرحرکتی ۱۴

۴-۱ رویکردهای حرکتی ۱۶

۵-۱ معماها و چشم‌اندازها ۱۸

۱-۵-۱ معماهای متمم‌نما - ابقای پرسش‌واژه ۱۹

۲-۵-۱ ابقای پرسش‌واژه چندگانه ۲۱

۳-۵-۱ وارونگی پرسش‌واژه با حرف اضافه ۲۴

فصل دوم: پیشینه تحقیق ۲۹

۱-۲ «حدس بزنی کی»، رابرت راس (۱۹۶۹) ۳۱

۲-۲ «نحو سکوت: ابقای پرسش‌واژه، جزیره‌ها و برابری در حذف»، جیسون مرچنت (۱۹۹۹) ۳۴

۳-۲ «حرکت پرسش‌واژه و نحو ابقای پرسش‌واژه»، مازیار توسروندانی (۲۰۰۸) ۳۶

۱-۳-۲ نحو پیش‌اندسازی کانون ۴۵

فصل سوم: چارچوب نظری تحقیق ۴۷

۱-۳ گزینش، ادغام و حرکت ۵۰

- ۵۲ ۲-۳ اصول اقتصاد
- ۵۳ ۲-۲-۳ اصل چاره آخر
- ۵۳ ۳-۲-۳ اصل تعلل
- ۵۴ ۴-۲-۳ اقتصاد بازنمایی
- ۵۴ ۳-۳ تحولات اخیر در برنامه کمینه‌گرا
- ۵۷ ۴-۳ تطابق، ارزش‌گذاری مشخصه‌ها، مشخصه‌های تعبیرپذیر و تعبیرناپذیر
- ۵۸ ۵-۳ تصویربرداری مشخصه
- ۵۸ ۶-۳ همبستگی ارزش مشخصه
- ۵۹ ۷-۳ شرایط حاکم بر حذف
- ۵۹ ۸-۳ شرط بازیابی
- ۶۰ ۹-۳ شرط جواز

۶۳ **فصل چهارم: توصیف و تحلیل نمونه‌ها**

- ۶۴ ۱-۴ ولی حالا چرا؟
- ۶۵ ۲-۴ شباهت ساختاری ابقای پرسش‌واژه در زبان‌های انگلیسی و فارسی
- ۶۸ ۲-۴ مبتداسازی یا حرکت کانونی
- ۶۹ ۳-۴ ابقای پرسش‌واژه و پیش‌اضافه ابقای
- ۷۰ ۴-۴ حرکت کانونی
- ۷۴ ۵-۴ ابقای پرسش‌واژه در فارسی و نقض محدودیت‌های جزیره‌ها
- ۷۴ ۱-۵-۴ محدودیت گروه اسمی مرکب
- ۷۵ ۲-۵-۴ خروج از فاعل‌ها و متمم‌های جمله‌واره‌ای

- ۷۵..... محدودیت ساخت همپایه ۳-۵-۴
- ۷۶..... محدودیت جزیره گروه افزوده ۴-۵-۴
- ۷۷..... جزیره شاخه چپ ۵-۵-۴
- ۷۷..... ابقای پرسش‌واژه چندگانه ۶-۴
- ۷۹..... فصل پنجم: نتیجه‌گیری
- ۸۰..... خلاصه و نتیجه‌گیری ۱-۵
- ۸۳..... پیشنهاد برای پژوهش‌های بیشتر ۲-۵
- ۸۵..... کتابنامه
- ۸۸..... واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
- ۹۰..... واژه‌نامه انگلیسی به فارسی

فصل اول
مقدمه

«هدف عمدهٔ زبان‌شناسی نظری معاصر تدوین نظریه‌ای است برای نشان دادن رابطه میان آوا و معنا. در هیچ جایی ارتباط میان آوا و معنا به اندازهٔ مورد حذف نحوی، با ناکامی روبرو نشده است. با وجود این، شکل‌های گوناگون حذف در زبان طبیعی فراگیر است، واژه‌ها و گروه‌های نحوی زیادی هستند که به درستی باید در هنگام بیان جملات حذف شوند. این پدیده چطور ممکن است؟ به این دلیل چنین پدیده‌ای رخ می‌دهد که حذف بر روی موارد حشو صورت می‌گیرد. فرایندهای حذفی از حشو انواع خاصی از اطلاعات در بافت‌های ویژه بهره می‌گیرند و اقتصاد بیان را ممکن می‌سازند، در غیر این صورت، لازم می‌شد اطلاعات حشو نیز بیان شوند. البته همواره رقابتی میان اقتصاد بیان و آنچه چامسکی آن را ضرورت خوانا بودن^۱ می‌نامد وجود دارد. از منظر گوینده کاربرد حذف با هر معیاری که سنجیده شود، قاعدهٔ اقتصادی است، اما تعبیر کردن عناصر حذفی برای شنونده کار بیشتری را به دنبال خواهد داشت، زیرا معنا را باید از پیام‌های زبان‌شناختی نهانی کشف کند» (مرچنت، ۱۹۹۹).

ابقای پرسش‌واژه^۲ پدیدهٔ حذفی است که در مثال (۱-۱) نشان داده شده است و در آن بخشی از جمله دارای پرسش‌واژه حذف می‌شود و تنها گروه پرسشی باقی می‌ماند.

- (1) a. Jack bought something, but I don't know what.
b. A: Someone called. B: Really? Who?
c. Beth was there, but you'll never guess who else.

1- legibility
2- sluicing

معادل لغوی این اصطلاح در زبان فارسی «آببند کردن» است به معنای باز کردن مجرای در سد، اما معادل فنی آن با توجه به کارکرد آن «ابقای پرسش‌واژه» است.

- d. Jack called, but I don't know {when/how/why/where from}.
- e. Sally's out hunting — guess what!
- f. A car is parked on the lawn — find out whose

پرسش‌واژه‌های ابقا شده^۱ (۱) را می‌توان با جملات متناظر غیرحذفی که با هم هم‌معنا هستند، مقایسه

کرد. مجموعه مثال‌های (۲) متناظر با مثال‌های (۱) هستند.

- (2) a. Jack bought something, but I don't know what he bought.
- b. A: Someone called. B: Really? Who called?
- c. Beth was there, but you'll never guess who else was there.
- d. Jack called, but I don't know {when/how/why} he called.
- e. Sally's out hunting — guess what she's out hunting!
- f. A car is parked on the lawn — find out whose is parked on the lawn.

به نظر می‌رسد که ابقای پرسش‌واژه (بر خلاف حذف گروه فعلی) در زبان‌های بسیار زیادی دیده می‌شود، و در حقیقت به نوعی ممکن است در هر زبانی دیده شود، یا به همین شکل یا به شکلی دیگر (نظیر حذف فاعلی^۲، خلأ نحوی^۳، تهی ساختن^۴ و پاره‌پاسخ‌ها^۵). این فرایندها دست کم در زبان‌های انگلیسی، فریزلندی، ایسلندی، سوئدی، نروژی، دانمارکی، ایرلندی، یونانی، آلمانی، هلندی، روسی، لهستانی، بلغاری، صربو کرواتی، اسلونیایی، فارسی، هندی - اردو، فرانسوی، ایتالیایی، رومانیایی، عبری، عربی، باسکی، ژاپنی، چینی، کره‌ای، فنلاندی و مجاری دیده می‌شود (مرچنت، ۱۹۹۹).

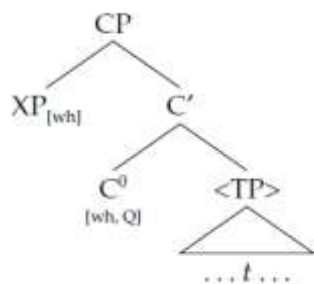
این بحث، در واقع، فصل مشترک دو حوزهٔ پرمطالعه و جذاب از پژوهش‌های زایشی به نام حذف^۶ و حرکت پرسش‌واژه^۷ است. جای شگفتی نیست که ابقای پرسش‌واژه به شدت بحث‌برانگیز باشد. این پدیده ابتدا مورد کنکاش (و نام‌گذاری) از سوی راس (۱۹۶۹) قرار گرفت، مروری بر مقاله وی در بخش پیشینهٔ تحقیق خواهد آمد.

1- sluices
 2- nominal ellipses
 3- gapping
 4- stripping
 5- fragment answers
 6- ellipses
 7- *wh*-movement

پیرو تقسیم‌بندی‌های کلی در تحلیل حذف، دو رویکرد کلی در تحلیل ابقای پرسش‌واژه وجود دارد. نخستین رویکرد که ابقای پرسش‌واژه را زیرگونه‌ای از حذف می‌گیرد، در اکثریت تحلیل‌ها دیده می‌شود، این بحث ابتدا با راس (۱۹۶۹) شروع شد و سپس با چائو (۱۹۸۸)، لوبک (۱۹۹۵، ۱۹۹۱)، چانگ و همکاران (۱۹۹۵)، لزنیک (۲۰۰۱) و مرچنت (۲۰۰۱) و دیگران ادامه یافت. تحلیل‌های غیرساختاری ابقای پرسش‌واژه به ویژه از سوی ریمسچیک (۱۹۷۸a) و گینزبرگ و ساگ (۲۰۰۰) ارائه گردید که گره جمله‌واره را بلافاصله مشرف بر گروه پرسشی مفروض می‌گیرند.

در میان تحلیل‌هایی که ابقای پرسش‌واژه را در درون موقعیت حذف قرار می‌دهند، دو رویکرد را می‌توان شناسایی کرد. نخست، نشأت گرفته از راس (۱۹۶۹) که اخیراً از سوی لزنیک (۲۰۰۱) و مرچنت (۲۰۰۱) و دیگران مورد توجه قرار گرفته است، فرایند ابقای پرسش‌واژه را دربردارنده حرکت گروه پرسشی به خارج از جزء جمله‌ای (S و IP یا TP) می‌دانند که پس از خروج گروه پرسشی، حذف جزء جمله‌ای (گروه زمانی) صورت می‌گیرد. طرح این اشتقاق در (۳) نشان داده شده است که در آن گوشه‌های محصور گروه زمان نشانه حذف این گروه هستند (یا به عبارتی اجزای غیرملفوظ هستند):

(3)



برای مثالی نظیر (۱-a) ساختار بدین صورت خواهد بود:

(4) Jack bought something, but I don't know [_{CP} what_i C⁰ <[_{TP} he bought t_i]>].

اصلی‌ترین گواه برای چنین اشتقاقی تأثیرات پیوند^۱ است. گروه پرسشی «باقی‌مانده» در ابقای پرسش‌واژه رفتاری مشابه با گروه پرسشی متناظر در ساخت‌های جمله کامل غیرحذفی، در طیف وسیعی از

1- connectivity effects

وابستگی‌های دستوری نشان می‌دهد. این تأثیرات پیوند از تأثیرات انطباق حالت^۱ و شرایط ابقاء حرف اضافه^۲ گرفته تا پدیده مرجع‌گزینی^۳ را در برمی‌گیرد.

نخست، همان طور که راس (۱۹۶۹) بیان کرده است، گروه پرسشی ابقاشده باید حالتی را که متناظرش در ساختار غیرحذفی دارد، داشته باشد. در زبان آلمانی به صورت زیر نشان داده شده است:

(5) Er will jemandem schmeicheln, aber sie wissen nicht, { *wer / *wen / wem }.
he wants someone.DAT flatter but they know not who.NOM who.ACC who.DAT
'He wants to flatter someone, but they don't know who.'

(6) Er will jemanden loben, aber sie wissen nicht, { *wer / wen / *wem }.
he wants someone.ACC praise but they know not who.NOM who.ACC who.DAT
'He wants to flatter someone, but they don't know who.'

با بدیل‌های غیرحذفی‌شان مقایسه کنید:

(7) Sie wissen nicht, { *wer / *wen / wem } er schmeicheln will.
they know not who.NOM who.ACC who.DAT he flatter wants
'They don't know who he wants to flatter.'

(8) Sie wissen nicht, { *wer / wen / *wem } er loben will.
they know not who.NOM who.ACC who.DAT he praise wants
'They don't know who he wants to praise.'

در این زمینه، شواهد مشابهی در تمام زبان‌های دارای حالت^۴ دیده می‌شود. داده‌های مرتبط از زبان‌های زیر در دسترس است: انگلیسی، یونانی، هلندی، فنلاندی، مجاری، روسی، لهستانی، چک، اسلونیایی، هندی، باسکی، ترکی و کره‌ای (مرچنت، ۱۹۹۹).

دوم، در هر زبانی میان قابلیت ابقای حرف اضافه (همراه ماندن حرف اضافه با پرسش‌واژه) در فرایند ابقای پرسش‌واژه با قابلیت حرکت پرسش‌واژه عادی (جدا شدن پرسش‌واژه از حرف اضافه در فرایندهای

1- case-matching effects
2- preposition-stranding parallelism
3- binding
4- case-marking languages

پیشایندسازی) تناظر وجود دارد. در واقع اگر در زبانی بتوان ابقای پرسش‌واژه را با ابقای حرف اضافه انجام داد (یعنی حرف اضافه در کنار پرسش‌واژه باقی بماند) در آن زبان امکان حرکت پرسش‌واژه عادی (جدا شدن پرسش‌واژه از حرف اضافه) وجود دارد، در غیر این صورت، اگر در زبانی امکان ابقای پرسش‌واژه با ابقای حرف اضافه وجود نداشته باشد (یعنی حرف اضافه نتواند در کنار پرسش‌واژه باقی بماند) در آن زبان امکان حرکت پرسش‌واژه عادی (جدا شدن پرسش‌واژه از حرف اضافه) وجود ندارد. مثال‌های زیر از زبان‌های پیش‌اضافه ابقایی (حرف اضافه همواره همراه با پرسش‌واژه است) و زبان‌های غیرپیش‌اضافه ابقایی آمده است.

۱-۱ زبان‌های پیش‌اضافه ابقایی:

انگلیسی

- (9) a. Peter was talking with someone, but I don't know (with) who.
b. Who was he talking with?

فریزلندی

- (10) a. Piet hat mei ien sprutsen, mar ik wyt net (mei) wa.
Piet has with someone talked but I know not with who
b. Wa hat Piet mei sprutsen?
who has Piet with spoken

نروژی

- (11) a. Per har snakket med noen, men jeg vet ikke (med) hvem.
Per has talked with someone but I know not with who
b. Hvem har Per snakket med?
who has Per with spoken with

دانمارکی

- (12) a. Peter har snakket med en eller anden, men jeg ved ikke (med) hvem.
Peter has talked with one or another but I know not with who
b. Hvem har Peter snakket med?
who has Peter spoken with

یونانی

- (13) a. I Anna milise me kapjon, alla dhe ksero *(me) pjon.
the Anna spoke with someone but not I.know with who
b. * Pjon milise me?
who she.spoke with

آلمانی

- (14) a. Anna hat mit jemandem gesprochen, aber ich weiß nicht, *(mit) wem.
Anna has with someone spoken but I know not with who
b. * Wem hat sie mit gesprochen?
who has she with spoken

عبری اروپایی (یدیش)

- (15) a. Zi hot mit emetsn geredt, ober ikh veys nit *(mit) vemen.
she has with someone spoken but I know not with who
b. * Vemen hot zi mit geredt?
who has she with spoken

روسی

- (16) a. Anja govorila s kem-to, no ne znaju *(s) kem.
Anja spoke with someone, but not I.know with who
b. * Kem ona govorila s?
who she spoke with

اسلونیایی

- (17) a. Anna je govorila z nekom, ampak ne vem *(s) kom.
Anna aux spoken with someone but not I.know with who
b. * Kom je govorila Anna s?
who aux spoken Anna with

بلغاری

- (18) a. Anna e govorila s njakoj, no na znam *(s) koj.
Anna AUX spoken with someone but not I.know with who
b. * Koj e govorila Anna s?
who aux spoken Anna with

- (19) a. Ana je govorila sa nekim, ali ne znam *(sa) kim.
Ana AUX spoken with someone but not I.know with who
b. * Kim je govorila Ana sa?
who aux spoken Anna with

فارسی^۱

(۲۰) (الف) على با كسى حرف مى زد، اما نمى دانم *(با) كى.

(ب) * كى على با حرف مى زد.

- (20) a. Ali ba kasi harf mi-zad, ?ama ne-mi-dan-am *(ba) ki.
Ali with someone talk PROG-hit.3sg but not-PROG-know-I with who
b. * Ki Ali ba harf mi-zad?
who Ali with talk PROG-hit.3sg

عبرى

- (21) a. Dani katav le-mishehu, aval ani lo yode'a *(le-)mi.
Dani wrote to-someone, but I not know to-who
b. *Mi Dani katav le?
who Dani spoke with

باسكى

- (22) a. Ana-k norbait-ekin hitzegin zuen, baina ez dakit nor-*(ekin).
Ana-ERG someone-with talk.to aux but not know who- with
b. * Nor hitzegin zuen -ekin?
who talk.to aux with

سوم، ارجاع دهى به اجزاء در پرسش واژه باقى مانده امكان پذير است، لزنیک (۲۰۰۱) اين وضعيت را

اين گونه نشان داده است:

- (23) Every linguist₁ criticized some of his₁ work, but I'm not sure how much of his₁ work <every linguist₁ criticized *t*>.

۱ - اين مثال در بحث ابقای پرسش واژه از سوى جيسون مرچنت مطرح شده است و زبان فارسى را در دسته زبان هاى غيرپيش اضافه ابقایى قرار داده است. اما شَمّ زبانی ما مى گوید که جمله (۲۰a) در هر دو حالت دستورى است، در واقع ابقای پرسش واژه در هر دو حالت همراه با حرف اضافه و بدون حرف اضافه دستورى است و البته حرکت پرسش واژه به تنهایی در صورتی که گروه پرسش واژه با حرف اضافه همراه باشد، به نادرستی شدن جمله مى انجامد. در نتیجه در تقسیم بندی جيسون مرچنت نمى گنجد. در فصل چهارم به اين موضوع مى پردازيم.

(24) Each of the linguists criticized some of the other linguists, but I'm not sure how many of the other linguists <each of them criticized *t*>.

نظریه حذفی ابقای پرسش‌واژه این توازن‌ها در توزیع را به صورتی سراسر است و به سادگی توجیه می‌کند، زیرا اجزای دستوری که «حالت را در پرسش‌واژه» و «امکان خروج پرسش‌واژه از گروه حرف اضافه» و «ارجاع به عبارت پرسش‌واژه» را تعیین می‌کنند، در هر دو ساختار حذفی و غیرحذفی یکسان عمل می‌کنند. شاخه دوم تحلیل‌های ابقای پرسش‌واژه که ساختاری را در درون جایگاه حذف قرار می‌دهند، متعلق به لوبک (۱۹۹۵) و چانگ و همکاران (۱۹۹۵) است. از نظر این نویسندگان، حذف در حقیقت جاگذاری مقوله تهی است که این مقوله تهی از واژگان گرفته می‌شود و در سطح بازنمون جایگزین گروهی می‌شود که در سطح منطقی از روی مرجع خود استنساخ شده است. مطابق این تحلیل برای مثال (۱) اشتقاق شامل ساختارهای زیر خواهد بود، که در آن *e* حذفی در (۲۵a) با اجزای سیاه شده در (۲۵b) جایگزین شده است.

(۲۵)

a. در بازنمون:

Jack bought something, but I don't know [_{CP} what C⁰ [_{TP} *e*]].

b. ساخت منطقی:

Jack bought something, but I don't know [_{CP} what C⁰ [_{TP} **Jack bought something**]].

در این تحلیل‌ها پرسش‌واژه حرکتی را انجام نمی‌دهد: پرسش‌واژه به صورت اشتقاق در پایه^۱ در مشخصگر گروه متمم‌نما^۲ در سطح معنایی به وجود می‌آید و در سطح ساخت منطقی با متغیری (منبعث از جزء درونی بی‌زمان در گروه زمانی کپی‌شده) ارجاع داده می‌شود. آن طور که راس (۱۹۶۹) بیان کرده است، انگیزه اصلی از چنین رویکرد غیرحرکتی، این واقعیت است که به نظر می‌رسد ابقای پرسش‌واژه محدودیت‌های جزیره‌های نحوی را به حساب نمی‌آورد. به عبارت دقیق‌تر، گروه پرسشی که در فرایند ابقای پرسش‌واژه

1- base-generated

2- Spec, CP

شرکت می‌کند می‌تواند به متغیری در درون گروه زمانی ارجاع دهی کند که در درون یک جزیره نحوی قرار دارد.

مثال‌ها برای انواع عمده جزیره‌های نحوی در مثال‌های (۲۶-۳۳) نشان داده شده است (مرچنت، ۱۹۹۹):

(۲۶) جزیره بند موصولی^۱:

- a. They want to hire someone who speaks a Balkan language, but I don't remember which.
b. * I don't remember which (*Balkan language*) they want to hire someone [*who speaks__*].

این محدودیت ناظر بر این است که اجزای بند موصولی را نمی‌توان از آن خارج کرد. در حالت عادی در b خروج (*Balkan language*) موجب غیر دستوری شدن جمله شده است. اما پرسش‌واژه *which* که به همان *Balkan language* ارجاع می‌دهد در فرایند ابقای پرسش‌واژه در جمله a به جزئی از همان جزیره نحوی بند موصولی اشاره دارد اما جمله دستوری است.

(۲۷) شاخه چپ^۲ (حالت صفت بیانی):

- a. She bought a big car, but I don't know how big.
b. * I don't know how big *she bought [a __ car]*.

این محدودیت ناظر بر این است که عنصری که در بخش چپ شاخه یک سازه قرار دارد را نمی‌توان از آن سازه خارج کرد. در حالت عادی در b خروج (*big*) از سازه (*a big car*) موجب غیر دستوری شدن جمله شده است. اما گروه پرسش‌واژه *how big* که به همان بخش از سازه ارجاع می‌دهد در فرایند ابقای پرسش‌واژه در جمله a به جزئی از همان جزیره نحوی صفت بیانی اشاره دارد، اما جمله دستوری است.

1 relative clause island

2 left-branch

(۲۸) جزیره‌های جایگاه مشتق^۱ (فاعل‌ها، مبتداسازی‌ها):

- a. A biography of one of the Marx brothers is going to be published this year — guess which!
- b. * Guess which (*Marx brother*) [a biography of ___] is going to be published this year.

در جمله‌هایی که فاعل‌ها یا مبتدا حالت مرکب دارند، از درون این سازه‌ها جزئی را نمی‌توان به بیرون حرکت داد، زیرا به نادرستی شدن جمله می‌انجامد. مطابق این قاعده در b خروج (marx brother) از سازه (A biography of one of the Marx brothers) موجب غیر دستوری شدن جمله شده است. اما گروه پرسش‌واژه which که به همان بخش از سازه ارجاع می‌دهد، در فرایند ابقای پرسش‌واژه در جمله a به جزئی از همان جزیره نحوی فاعل مرکب اشاره دارد، اما جمله دستوری است.

(۲۹) محدودیت ساخت همپایه^۲

- a. They persuaded Kennedy and some other Senator to jointly sponsor the legislation, but I can't remember which one.
- b. Bob ate dinner and saw a movie that night, but he didn't say which.

(چانگ و همکاران، ۱۹۹۵)

این محدودیت ناظر بر این است که در ساخت همپایه هیچ سازه همپایه‌ای را نمی‌توان حرکت داد و هیچ عنصری از درون سازه همپایه را نمی‌توان به خارج از آن سازه منتقل کرد. هر دو جمله مثال ۲۹ با ابقای پرسش‌واژه، در حقیقت پرسش‌واژه به درون جزیره ساخت همپایه ارجاع می‌دهد و همچنان جمله دستوری است. در جمله a عبارت (which one) به (some other senator) ارجاع می‌دهد که در جمله‌های معمول این جزء قابلیت خروج از جزیره همپایه را ندارد اما پرسش‌واژه می‌تواند به آن ارجاع دهد. در جمله b همین وضعیت در مورد پرسش‌واژه (which) و (a movie) وجود دارد.

1 derived position islands
2 coordinate Structure Constraint

(۳۰) افزوده‌ها^۱

- a. Ben will be mad if Abby talks to one of the teachers, but she couldn't remember which.
- b. * Ben will be mad if Abby talks to one of the teachers, but she couldn't remember which (*of the teachers*) Ben will be mad [*if she talks to ___*].
- c. Ben left the party because one of the guests insulted him, but he wouldn't tell me which.

از درون یک گروه افزوده نمی‌توان جزئی را بیرون کشید. در جمله a پرسش‌واژه (which) به (one of the teachers) که جزئی از گروه افزوده است ارجاع می‌دهد. این جزء را از گروه افزوده نمی‌توان بیرون کشید اما پرسش‌واژه در فرایند ابقای پرسش‌واژه می‌تواند به آن ارجاع دهد. در جمله b به همین دلیل جمله نادستوری شده است. در جمله c نیز شبیه به جمله a پرسش‌واژه (which) به بخشی از گروه افزوده ارجاع می‌دهد که این فرایند در ساختار ابقای پرسش‌واژه امکان‌پذیر شده است.

(۳۱) متمم اسم^۲

The administration has issued a statement that it is willing to meet with one of the student groups, but I'm not sure which one.

از متمم گروه اسمی نمی‌توان جزئی را بیرون کشید. در مثال زیر با فرایند ابقای پرسش‌واژه عبارت (which one) به بخشی از متمم گروه اسمی (one of the student groups) ارجاع می‌دهد. این جزء مرجع را نمی‌توان از این جزیره بیرون کشید اما با ابقای پرسش‌واژه می‌توان به آن ارجاع داد.

(۳۲) فاعل جمله‌واره^۳ (چانگ و همکاران ۱۹۹۵)

That certain countries would vote against the resolution has been widely reported, but I'm not sure which ones.

از جمله‌واره‌ای که نقش فاعل را ایفا می‌کند، عنصری را نمی‌توان خارج کرد. پیشتر در محدودیت جایگاه مشتق محدودیت مشابهی بررسی شد. در اینجا نیز پرسش‌واژه (which ones) به بخشی از درون جزیره فاعل جمله‌واره (That certain countries would vote against the resolution) ارجاع می‌دهد. این فرایند نیز

1- adjuncts
2- complement to noun
3- sentential subject

به واسطه ابقای پرسش‌واژه میسر گشته است در غیر این صورت بخشی از فاعل جمله‌واره را نمی‌توان به بیرون حرکت داد.

(۳۳) پرسش لانه‌گیری شده^۱

Sandy was trying to work out which students would be able to solve a certain problem, but she wouldn't tell us which one.

بخشی از بند پرسشی که در درون جمله‌ای دیگر واقع شده است را نمی‌توان از درون آن حرکت داد. با فرایند ابقای پرسش‌واژه ارجاع‌دهی به درون آن امکان‌پذیر می‌شود. در این مثال گروه پرسشی (which one) به بخشی از بند پرسشی لانه‌گیری شده (which students would be able to solve a certain problem) ارجاع می‌دهد.

حساسیت به جزیره‌های نحوی فقط در تحلیل‌های حرکتی موضوعیت پیدا می‌کنند، زیرا موضوع خروج از جزیره‌های نحوی با حرکت یا استنساخ معنا می‌یابد. اما رویکردهای غیرحرکتی می‌توانند به سادگی عدم حساسیت ابقای پرسش‌واژه نسبت به جزیره‌های نحوی را توجیه کنند، زیرا در این تحلیل‌ها حرکتی صورت نمی‌گیرد، بلکه در سطح منطقی استنساخ صورت گرفته و در سطح آوایی یا بازنمون با مقوله تهی جایگزین می‌شود.

منصفانه است اگر بگوییم بخش عمده‌ای از مطالعات مربوط به ابقای پرسش‌واژه به تلاش‌های گوناگونی اختصاص یافته است که هدفشان این بود که این مسأله را به گونه‌ای قابل فهم بیان کنند: چطور تأثیرات پیوند و در همان حال تأثیرات جزیره‌ها (عدم حساسیت به جزیره‌های نحوی) را در فرایند ابقای پرسش‌واژه توجیه کنند. زیربخش‌های زیر مسیرهای طی شده را توضیح می‌دهند.

1 embedded question

۱-۳ رویکردهای غیرحرکتی

در رویکردهای غیرحرکتی نظیر لوبک (۱۹۹۵)، چانگ و همکاران (۱۹۹۵) و گینزبرگ و ساگ (۲۰۰۰) مسأله اصلی تأثیرات پیوند است، زیرا نبودن تأثیرات جزیره‌ای مستقیماً درک می‌شود (زیرا حرکتی وجود ندارد). چانگ و همکاران (۱۹۹۵) پیشنهاد می‌کنند که در ساخت منطقی، نوعی از هم‌نمایه کردن بین پرسش‌واژه درون مشخصگر گروه متمم‌نما از یک سو و از سوی دیگر متناظر استنساخ شده در گروه زمانی به وجود می‌آید و ساخت‌هایی نظیر زیر را تولید می‌کند:

(34) Jack bought something, but I don't know [CP what^x C⁰ [TP **Jack bought something^x**]].

اگر این هم‌نمایه کردن را بتوان دلیلی بر یکسان شدن حالت در دو جزء متناظر به حساب بیاوریم، آنگاه تأثیرات پیوند حالت را می‌توان توجیه کرد.

اما شواهد از زبان‌های پیش‌اضافه ابقایی مسأله‌ساز است: روشن نیست که با توجیه بالا جمله زیر از زبان یونانی، با وجود هم‌نمایه شدن چرا نادرستی می‌شود:

(35) *I Anna milise me kapjon, alla dhe ksero [CP pjon^x [**i Anna milise me kapjon^x**]].

the Anna spoke with someone but not I.know who

یک امکان برای توجیه نادرستی بودن مثال بالا که آن را مرچنت (۲۰۰۰) بررسی کرده این است که پیش از استنساخ در سطح منطقی باید حرکتی در بند مرجع صورت بگیرد. تسلط داشتن بر عضو متناظر (در اینجا kapjon «کسی») نیاز به ابقای حرف اضافه در سطح منطقی دارد و بنا به نظر بایر (۱۹۹۱)، در این زبان‌ها، چنین امکانی وجود ندارد. در واقع پیش‌شرط لازم برای حذف در سطح منطقی میسر نمی‌شود. چنین راه حلی نیاز به شرط اضافی «یکسانی زنجیره» دارد که موجب یکسانی مقوله در تمام عناصر زنجیره شود (حتی اشتقاقی)؛ برای تعریف چنین شرطی نگاه کنید به مرچنت (۲۰۰۰).